

# نقد رویه قضایی: الزام به فرآیند استخدام

## دانشجویان بورسیه<sup>۱</sup>

جواد حسین زاده \*

### چکیده

اعزام دانشجویان به خارج از کشور (بورس تحصیلی) تا سال ۱۳۸۳ بر اساس آیین نامه اجرایی قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور با برگزاری آزمون انجام می‌شده است. طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ شرط آزمون حذف و با تغییر مقررات، ملاک‌های دیگری برای انتخاب داوطلبان اعزام به خارج وضع می‌شود. حسب گزارش دیوان محاسبات در سال ۹۲ برخی از این تغییرات قانونی نبوده و همین مقررات نیز به نحو صحیح و یکسان نسبت به همه پذیرفته‌شدگان اجرا نشده است.

رأیی که در ادامه مورد تحلیل و نقد واقع می‌شود ناظر به یکی از پذیرفته‌شدگان بورسیه است که پس از خاتمه تحصیل و برای استخدام در دانشگاهی که از پیش در آن جایابی شده بود، در دیوان عدالت اداری اقدام به طرح دعوا می‌کند. دیوان مذکور پس از رسیدگی خارج از نوبت به موضوع مقرر کرده است که پذیرش و جایابی داوطلبان بورس به معنی تعهد مقام بورس دهنده به استخدام آنان پس از خاتمه بورس و تحصیل است. درحالی که به نظر می‌رسد این استنباط با اصول حقوقی، قوانین و مقررات حاکم بر جذب و استخدام متقاضیان عضویت در هیأت علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی منطبق نیست.

واژگان کلیدی: نقد رأی، اعزام دانشجویان بورسیه، بورسیه‌های دولت

دهم.

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۰

\* دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران (نویسنده مسئول)  
hoseinzadeh@usc.ac.ir

## مقدمه:

مسئله بورسیه‌ها از موضوعاتی است که در دولت دهم رخ داد و برای اولین بار معاون وزیر علوم و رئیس سازمان امور دانشجویان در دولت یازدهم آن را رسانه‌ای کرد. حساسیت این موضوع به قدری بود که به سرعت به مسئله‌ای جنجالی میان دولت و مجلس تبدیل شد و در نهایت به اولین و شاید اصلی‌ترین دلیل استیضاح وزیر علوم دولت یازدهم مبدل گردید.

صرفنظر از مباحث سیاسی، وزارت علوم در برخورد با این تخلف که به درخواست مراجع نظارتی صورت پذیرفته است، پس از بررسی کارشناسی پرونده یکایک پذیرفته شدگان آنان را به سه گروه تقسیم و نسبت به آنان تصمیمات ذیل را اتخاذ کرده است: ۱- ادامه بورس به هزینه دولت ۲- لغو بورس و ادامه تحصیل به هزینه شخصی ۳- محرومیت از تحصیل و جبران خسارت.

هدف این تحقیق بررسی دلایل محرومیت گروه دوم و سوم نیست. انگیزه‌ی این تحقیق در گام نخست، بررسی پرونده یکی از مشمولین گروه اول پس از خاتمه تحصیل و تبیین این موضوع است که فرآیند ناصحیح یک پدیده اجتماعی حتی اگر با مدارا و اغماض ادامه یابد، چگونه می‌تواند برای نظام آموزشی کشور مشکل ساز شود، مراجع اداری و قضایی کشور را به خود مشغول کند و حیات علمی دانشگاه‌های برتر کشور را به مخاطره اندازد. در گام بعد، هدف ارزیابی علمی عملکرد دیوان عدالت اداری کشور در برخورد با چند مورد از مصادیق پرونده بورسیه‌ها است.<sup>۲</sup>

بدین منظور تحقیق حاضر در دو مبحث ارائه می‌شود. مبحث اول ناظر به فرآیند شکل‌گیری و پذیرش داوطلبان بورس در دولت دهم است و مبحث دوم به ارزیابی عملکرد دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده یکی از پذیرفته‌شدگان بورسیه در چارچوب نقد دادنامه‌ای که در این خصوص صادر شده، می‌پردازد.

---

<sup>۲</sup> - شایان ذکر است، این پرونده نمونه‌ای از چند پرونده‌ای است که دیوان عدالت اداری در آن نسبت به دانشجویان بورس شده وزارت علوم تصمیم مشابه و یکنواختی اتخاذ و ابلاغ نموده است. به همین دلیل نگارنده به جای انتخاب عنوان "نقد رأی" از عنوان "نقد رویه قضایی" برای این نوشتار استفاده کرده است. همچنین از آنجاکه این موضوع فقط مشکل یک دانشگاه نیست، در قسمت‌هایی از نوشتار از آن با عنوان مشکل آموزش عالی کشور یا مشکل دانشگاه‌های برتر کشور یاد شده است.

## ۱- فرآیند شکل‌گیری و پذیرش داوطلبان بورس در دولت دهم<sup>۲</sup>

با تصویب آیین نامه اجرایی قانون اعزام دانشجویان در سال ۱۳۶۸ مسیر اصلی اعزام دانشجویان به خارج از کشور و برگزاری آزمون اعزام سازمان سنجش آموزش کشور تعیین می‌شود. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲ نیز این آزمون همه ساله یا هر دو سال یک بار برگزار می‌شده است.

در سال ۱۳۸۵، شورای مرکزی بورس تصمیم به عدم برگزاری آزمون و انتخاب داوطلبان از میان دانشجویان ممتاز و نمونه و مربیان دانشگاه‌ها در رشته‌های خاص می‌گیرد و کلیات تصمیم را به تأیید وزیر وقت می‌رساند. سپس در سال ۱۳۸۷ دستورالعمل مربوط را تغییر داده و با اضافه کردن یک بند علاوه بر افراد فوق، افراد دارای خدمات فرهنگی و اجتماعی را نیز مشمول امتیاز بورس می‌سازد و داشتن حداقل معدل ۱۴ برای مقطع کارشناسی و معدل ۱۶ برای کارشناسی ارشد را ضروری می‌داند و شرط سنی نیز تعیین می‌گردد. این تغییرات و بخشنامه‌های سال‌های بعد هیچ یک به تأیید وزیر علوم نمی‌رسد. در حالی که بر اساس آیین نامه اجرایی قانون اعزام دانشجویان هر تغییر ضوابط پذیرش باید به تأیید وزیر رسانده شود.

به‌رغم وجود این شرایط، در عمل برای ورود هر شخصی به فرآیند پذیرش بورس، معرفی یکی از دانشگاه‌ها، تشکل‌های دانشجویی خاص، مسئولان وزارت علوم و شخص مدیر کل بورس و اعزام ضروری بوده است؛ به‌گونه‌ای که در عمل، بدون این معرفی ورود به فرآیند بورس غیرممکن بوده است. برای مثال در فاصله سال‌های ۸۹ تا ۹۲ معاون فرهنگی وقت وزارت علوم ۷۳۶ نفر، یک تشکل دانشجویی ۵۹۵ نفر و مسئول دیگری در وزارت علوم ۱۵۱ نفر را به این شیوه برای استفاده از مزایای بورس معرفی کرده‌اند. افزون بر این، به تدریج لیست رشته‌های ضروری برای اعزام حذف

<sup>۲</sup> - مطالب این گفتار به طور عموم برگرفته شده از نامه شماره ۲/۱۴۰۲۷۷ مورخ ۹۵/۱۱/۲۴ معاون وزیر و رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم خطاب به معاون حقوقی و امور مجلس وزارت مذکور و در پاسخ به سؤال یکی از نمایندگان مردم تهران در خصوص ایرادهای قانونی صدور احکام بورسیه‌ها است. گفتی است همین مطالب با تفصیل و توضیح بیشتری در دو اطلاعیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ‌های ۹۳/۸/۲ و ۹۴/۲/۹ نیز منتشر شده است

شده و با گسترش روش تبدیل قبول خارج به داخل، متقاضیان در رشته‌هایی پذیرفته می‌شوند که هیچ‌گاه در آن رشته اعزام به خارج از کشور صورت نمی‌پذیرفته است. نظیر زبان و ادبیات فارسی، فقه و حدیث، نهج البلاغه و غیره.

در ظاهر، آنچه در این خصوص مدنظر بوده، ورود عده‌ای به‌عنوان قبولی بورس خارج و سپس تبدیل آن به داخل جهت گریز از آزمون ورودی دوره‌های دکتری داخل بوده است. گفتنی است، در فاصله سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۵ روش تبدیل به داخل قبولی‌های خارج به‌صورت محدود و استثنایی و فقط نسبت به ۷۵ نفر انجام شده است، در حالی که در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ به‌عنوان رویه‌ای عادی رایج می‌شود و تعداد آنها به ۱۸۸۶ نفر می‌رسد. این رقم در قیاس با تعداد پذیرفته‌شدگان بورس خارج از کشور که فقط ۷۲۹ نفر بوده است روشن می‌سازد که‌شویه استثنایی تبدیل بورس به داخل بر شیوه اصلی اعزام به خارج غلبه می‌یابد.

ایرادات قانونی فرآیند پذیرش داوطلبان بورس در دولت دهم، ابتدا توسط معاون فنی و حسابرسی دیوان محاسبات کشور در تاریخ ۹۲/۹/۲۰ و در دولت یازدهم به وزارت علوم اعلام می‌گردد. سازمان بازرسی کل کشور نیز به موازات دیوان محاسبات بررسی خود را انجام داده و وقوع تخلفاتی را در مذاکره شفاهی با مسئولان وزارت علوم تأیید می‌کند. سرپرست وقت وزارت علوم بر اساس اختیارات مندرج در آیین‌نامه اجرایی قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور و تأکید مستقیم دیوان محاسبات کشور مبنی بر اقدامات پیشگیرانه جهت عدم تداوم تخلف و پرداخت‌های غیرقانونی از محل اعتبارات عمومی کشور، کمیته‌ای پنج نفره را به‌منظور بررسی اقدامات انجام شده در دوره قبل تعیین کرده و تأکید می‌نماید که کمیته با نگاه حل معضل و جلوگیری از تنش اجتماعی و رعایت تمامی حقوق پذیرفته‌شدگان، به‌رغم اشکالات حقوقی که در نحوه صدور بخشنامه‌های قبلی اعزام و انطباق تصمیمات اجرایی با موازین قانونی وجود دارد، همین مصوبات و دستورالعمل‌ها را مبنا قرار داده و فقط نسبت به پذیرفته‌شدگانی که بر اساس بخشنامه‌های وقت فاقد یک یا چند شرط از شرایط پذیرش بوده‌اند، تصمیم‌گیری کند.

این کمیته نیز در بررسی مصدق، ضمن تأیید ادامه بورسیه افرادی که شرایط

بخشنامه‌های قبلی را دارا بوده‌اند، مقرر می‌دارد افرادی که یک یا چند شرط مصوب همان دوره را ندارند با هزینه شخصی ادامه تحصیل دهند. همچنین برای افرادی که با ارائه اطلاعات غیرواقعی از این فرصت استفاده کرده‌اند، قطع تحصیل و پرداخت خسارت مقرر می‌نماید. تصمیمات این کمیته پس از تأیید شورای مرکزی بورس به تصویب سرپرست وزارت رسیده و مصوبات کمیته تجدیدنظر به‌همین صورت به تأیید ایشان رسیده است.

گفتنی است، حسب اطلاعیه مورخ ۹۳/۸/۲ وزارت علوم پذیرفته شدگان بدون آزمون طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ در مجموع ۳۷۷۲ نفر بوده‌اند که در چهارگروه پذیرفته‌شدگان اعزام به خارج شامل ۷۲۹ نفر، تبدیل به داخل ۱۸۶۷ نفر، مربیان دانشگاه‌ها ۱۰۱۱ نفر و ایثارگران وزارت علوم و دانشگاه‌ها ۱۶۵ نفر بوده‌اند.

صرف‌نظر از افرادی که در سه گروه اخیر به دلیل عدم احراز شرایط دستورالعمل‌های وقت لغو بورس شده‌اند، در گروه اعزام به خارج هیچ لغو بورسی صورت نگرفته است. در این گروه به‌رغم اینکه تعدادی از بورسیه‌های اعزامی به خارج فاقد شرایط معدل یا سن بوده‌اند؛ اما با توجه به این‌که دوره بورس بیش از نیمی از آنها به اتمام رسیده و در مورد مابقی نیز قطع ارز و بورس ایشان می‌تواند تبعات اجتماعی و سیاسی نامطلوبی به‌دنبال داشته باشد، مصوب شده است که ضمن کنترل کیفیت تحصیل و ساز و کارهای قبل از اشتغال آنها در دانشگاه‌ها، بورس آنها ادامه یابد.

## ۲- نقد رأی و فرآیند رسیدگی

### ۲-۱- شرح موضوع:

موضوع پرونده و دادنامه مورد نقد در خصوص یکی از پذیرفته‌شدگان بورسیه است که در اواخر تحصیل در خارج از کشور به وطن مراجعه کرده و در نهایت با تبدیل بورس خود به داخل از رساله دکتری خود در ایران دفاع می‌نماید. وی پس از خاتمه تحصیل به دانشگاهی که قبلاً در آن جایابی شده مراجعه و تقاضای استخدام می‌کند. دانشگاه مزبور نیز طبق روال معمول وی را جهت ارزیابی علمی به کارگروه علمی هیأت اجرایی جذب دانشگاه معرفی می‌نماید. هیأت اجرایی مذکور نیز به اتفاق

آرا وی را واجد صلاحیت علمی در تراز دانشگاه مورد نظر تشخیص نداده و نامبرده را جهت جایی در سایر دانشگاه‌های کشور به وزارت علوم معرفی می‌کند. متقاضی بدین تصمیم تمکین نکرده و دعوا را در دیوان عدالت اداری به خواسته الزام دانشگاه مذکور به استخدام خود مطرح می‌نماید. دیوان مذکور نیز بدون توجه به جنبه علمی موضوع و به‌رغم عدم صلاحیت ورود به موضوعات علمی، به‌صورت خارج از نوبت اقدام به رسیدگی به این دعوا و نهایتاً صدور رأی به نفع شاکی می‌کند.

فرآیند رسیدگی به پرونده مذکور و رأی صادره دارای ایرادات شکلی و ماهوی متعددی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

## ۲-۲- متن رأی:

در خصوص شکایت..... به طرفیت دانشگاه ..... به خواسته ۱- احراز وقوع تخلف (عدم تبدیل حکم بورس و صدور حکم استخدامی جدید) ۲- الزام به صدور حکم استخدام پیمانی به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه .... و شروع به کار از تاریخ فارغ التحصیلی (از مورخه ۹۵/۸/۲۴) و محاسبه تعهدات از همان تاریخ ۳- الزام به بررسی و محاسبه تعهدات پرداخت حقوق و مزایای معوقه اولاً: در خصوص صلاحیت این مرجع در رسیدگی به اصل خواسته، نظر به اینکه جهت طرح شکایت، عدم اجرای مقررات قانونی در اتخاذ تصمیم مغایر با قانون اعلام شده و با عنایت به اینکه به دلالت مصوبه شماره ۶۳۰ سال ۸۷ و بند ۲ مصوبه جلسه ۷۶۰ مورخه ۹۳/۱۲/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مواردی که شکایت از جهت امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی باشد موضوع در صلاحیت هیأت یا هیأت‌های تعیین شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد و با عنایت به اینکه در مانحن فیه شکایت از حیث شئون آموزشی و علمی نمی‌باشد بلکه نسبت به موضوع از حیث عدم رعایت مقررات و ضوابط قانونی شکایت شده است لذا موضوع خارج از شمول مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. ثانیاً در خصوص قسمت اول و دوم اصل خواسته، شاکی اعلام داشته فارغ التحصیل مقطع دکتری رشته ..... می‌باشد که بر اساس اعلام نیاز دانشگاه .... و پس از موافقت هیأت اجرایی جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه مذکور و طی مراحل گزینش به‌عنوان بورسیه در مقطع دکتری رشته مذکور تحصیل نموده

و پس از فراغت از تحصیل به دانشگاه طرف شکایت معرفی شده که تاکنون پاسخی به وی داده نشده است. نظر به اینکه ۱- موضوع بورسیه شاکی و رشته... در هیأت رئیسه دانشکده ... دانشگاه فوق الذکر در مورخه ۸۷/۱۰/۲۹ مطرح و موافقت گردیده و سپس طی مکاتبه شماره ۷۰۰۶۰/۴۰ - ۸۷/۱۱/۲ جهت طی مراحل بورس خارج به مدیر کل بورس و امور دانشجویان خارج معرفی گردیده است. ۲- پس از اخذ پذیرش به عنوان دانشجوی بورسیه به دفترخانه اسناد رسمی معرفی و متعاقب آن به موجب سند رسمی محضری تنظیمی، تعهد خدمتی خود را اعلام داشته و نص صریح تعهدنامه محضری فی مابین، به روشنی محل خدمت آتی را مشخص و مقید به استخدام و جذب بورسیه نموده است. ۳- حکم بورس مشارالیها طی نامه شماره ۸۸/۲/۴۲-۱۴/۵/۱۱۴۷۳ صادر گردیده است ۴- نامبرده به دلالت نامه شماره ۴۲/۱۰۴۲۱۴ مدیر کل بورس و اعزام دانشجویان، جهت شروع به کار برای بورسیه اعطایی و اعلام تاریخ دقیق آن به دانشگاه ... معرفی گردیده است. با توجه به اینکه بر اساس ماده ۳۹ آیین نامه اعطای بورس تحصیلی و اعزام دانشجو به خارج از کشور مصوب ۶۸/۱۲/۱۲ " دانشجویانی که برای بورس پذیرفته می شوند باید قبل از صدور حکم نهایی تعهد و تضمین محضری بسپارند که پس از اتمام تحصیلات ... در محلی که در تعهد نامه مشخص شده و یا وزارت تعیین می کند دو برابر مدت تحصیل ... خدمت کنند" در واقع سپردن تعهد محضری الزام قانونی و مقدمه صدور حکم بورس بوده و صدور حکم بورس متوقف به دادن تعهد مورد اشاره بوده و در حقیقت این دو لازم و ملزوم یکدیگر می باشند از سوی دیگر اگر هدف از بورسیه نمودن صرفاً تحصیل فرد بوده نیازی به انجام تشریفات رسمی و اداری فوق الذکر نبوده است. چه اینکه طرح موضوع جایابی در هیأت اجرایی جذب دانشگاه و اعلام موافقت آن مرجع و سپس الزام به تعهد محضری و در ادامه صدور حکم بورس که در آن محل خدمت آتی مشخص گردیده و پس از آن اعلام نیاز به خدمات شاکی توسط دانشگاه و پرداخت مقرری از محل اعتبارات و از مجاری امور مالی دانشگاه همگی مبین فرایندی هدفدار بوده و هدف نهایی آن استخدام و جذب و انجام تعهدات در دانشگاه محل جایابی به عنوان عضو هیأت علمی بوده است و از سوی دیگر وزارت علوم طی نامه

شماره ۴۲/۱/۳۵۹۴۵ مورخه ۸۹/۸/۴ اعلام داشته "تقاضاهایی که از طرف دانشگاه‌ها ارسال می‌گردد به‌منزله اعلام نیاز و محل خدمت آتی پس از فراغت از تحصیل داوطلبان قلمداد خواهد شد" لذا با عنایت به اینکه مجموعه اقدامات انجام شده که براساس مقررات قانونی و تعهدات دو جانبه وفق توافق بوده و مغایرتی هم با قوانین حاکم نداشته، حق مکتسبه ایجاد نموده که آثار حقوقی بر آن مترتب بوده و تغییرات مدیریتی موجب نادیده گرفتن تکالیف و تعهدات قانونی نخواهد بود و پرداخت حقوق از محل اعتبارات عمومی برای شاکی در طول دوره تحصیل بر اساس اعلام نیاز دانشگاه بوده و اعلام عدم نیاز بعدی به تخصص وی با توجه به تحمیل هزینه‌های مذکور به صندوق بیت المال و ایجاد حق مکتسبه برای شاکی نافی حقوق وی نخواهد بود لذا با عنایت به مجموع مراتب فوق و اصل انتظار مشروع مستفاد از مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، ضمن احراز وقوع تخلف حکم به ورود شکایت و الزام طرف شکایت به ادامه فرآیند استخدام مشارالیه بر اساس بورسیه اعطا شده به نامبرده صادر و اعلام می‌نماید. ثالثاً در خصوص قسمت سوم خواسته مبنی بر محاسبه تعهدات پرداخت حقوق و مزایای معوقه به لحاظ اینکه شاکی رابطه استخدامی با دانشگاه نداشته و مصدر خدمت نبود و اساساً پرداخت حقوق و مزایا، مستلزم خدمت و انجام وظیفه محوله می باشد لذا این قسمت از خواسته شاکی را غیروارد تشخیص و حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب محترم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری خواهد بود.<sup>۴</sup>

این رأی پس از تجدیدنظرخواهی دانشگاه عیناً در تاریخ ۹۶/۱۰/۳ در شعبه تجدید نظر تأیید شده است.

### ۳-۲- ایرادات شکلی:

۱- **عدم صلاحیت دیوان:** تصمیم دانشگاه مبنی بر عدم نیاز به خدمات شاکی نتیجه بررسی علمی هیأت اجرایی جذب دانشگاه در خصوص صلاحیت علمی ایشان

<sup>۴</sup> - نگارنده دست کم شش دادنامه مشابه مقدمات و استنتاج این دادنامه را که مربوط به دو دانشگاه برتر کشور و یک پژوهشگاه است را ملاحظه کرده است.

برای عضویت به عنوان هیأت علمی بوده و کاملاً دارای جنبه علمی و پژوهشی است؛ از آنجا که طبق مصوبه جلسه ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصمیمات اتخاذی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در امور و شئون علمی از صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی خارج است، دیوان صلاحیت ورود به این موضوع را ندارد بنابراین بر اساس بند ۲ مصوبه جلسه ۷۶۰ مورخ ۹۳/۱۲/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوع دعوا فقط در صلاحیت هیأت عالی تجدیدنظر وزارت علوم است.

**۲- صدور حکم خارج از خواسته:** حکم صادره خارج از خواسته شاکی است. خواسته وی **الزام به صدور حکم استخدام** است در حالی که حکم صادره ناظر بر **الزام به ادامه فرآیند استخدام** است. بدیهی است الزام به فرآیند استخدام غیر از صدور حکم استخدام است. زیرا فرآیند استخدام مبتنی بر مجموعه اقدامات متعدد از جمله مصوبه هیأت اجرایی جذب دانشگاه و تأیید آن از سوی وزارت علوم است. بنابراین از آنجا که فرایند استخدام اعم از صدور حکم استخدام است، آغاز هر فرایند استخدامی الزاماً منتهی به صدور حکم استخدام نمی‌شود. اشکال اساسی رأی صادره این است که اگر فرآیند استخدام (که عموماً در مراجع مختلف و بعضاً به صورت شورایی اتخاذ تصمیم می‌شود) ادامه یابد و نتیجه آن عدم استخدام شاکی باشد، در عمل رأی صادره که ظاهراً با توجه به مقدمات آن به نفع شاکی صادر شده است، بی‌اثر خواهد بود.

**۳- عدم طرح دعوا به طرفیت وزارت علوم:** با توجه به اینکه شاکی، دانشجوی بورس وزارت علوم بوده که در دانشگاه ... جایابی شده است، مطابق آیین نامه بورس، هزینه‌های تحصیلی وی از محل منابع این وزارتخانه تأمین شده و تعهدات دانشجوی نیز در برابر این وزارتخانه است. بنابراین نظر به آثار و الزاماتی که دعوی شاکی نسبت به وزارتخانه مذکور ایجاد خواهد کرد، قطعاً ذی‌نفع اصلی این دعوا وزارت علوم است که می‌بایست در راستای رعایت اصل تناظر و عدم محرومیت خواننده اصلی از دفاع، طرف دعوا قرار می‌گرفته و فرصت دفاع برای آن تأمین می‌شده است؛ ضمن اینکه جهت دفاع بسیاری از دلایل و مستندات می‌بایست توسط این وزارتخانه ارائه و یا توضیح داده می‌شده که دانشگاه طرف شکایت دسترسی به آن مدارک

نداشته است. لذا دادخواست خواهان به صورت فعلی از اساس قابلیت استماع ندارد. خصوصاً اینکه مجوز استخدام هر یک از دانشجویان بورسیه پس از خاتمه بورس و طی مراحل قانونی باید توسط این وزارتخانه صادر شود. چگونه می‌توان در راستای اجابت خواسته شاکی حکم به استخدام وی داد، ولی کسی که باید دست کم بخشی از این حکم را اجرا کند، طرف دعوا نباشد.

**۴- عدم امکان استماع دعوا:** خواسته شاکی مبنی بر الزام به استخدام، قابلیت استماع ندارد. زیرا استخدام وی فرع بر مصوبه و نظر مثبت هیأت اجرایی جذب دانشگاه است؛ از آنجاکه صلاحیت علمی شاکی بر اساس مصوبه هیأت اجرایی جذب دانشگاه رد شده است. تا زمانی که این مصوبه ابطال نشود اعتبار آن به قوت خود باقی بوده و امکان استخدام شاکی فراهم نمی‌شود. شایان ذکر است، تصمیمات هیأت مذکور مستقل از تصمیمات رییس دانشگاه بوده و این هیأت از نظر ساختار تابع مقررات شورای انقلاب فرهنگی است. بنابراین، رییس دانشگاه نمی‌تواند برخلاف نظر هیأت مذکور، دستور استخدام شخصی را که این هیأت فاقد صلاحیت علمی شناخته، صادر نماید. شایان ذکر است ماده ۱۴ "دستور العمل رسیدگی به شکایات" مصوب جلسه شماره ۴۷ مورخ (۸۸/۱۰/۱۴) هیأت عالی جذب اعضای هیأت علمی شورای انقلاب فرهنگی چنین مقرر می‌دارد: «هیچ مقام اداری و دولتی نمی‌تواند آرای هیأت‌های مرکزی یا هیأت‌های اجرایی را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر در مواردی که هیأت عالی آن را ابطال و یا تصمیم دیگری اتخاذ نماید.»

**۵- عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه:** به نظر می‌رسد شیوه رسیدگی به این پرونده و برخی از پرونده‌های دانشجویان بورسیه خلاف رویه معمول دیوان و بدون رعایت اصول دادرسی عادلانه، از جمله اصل بی‌طرفی دادگاه و اصل برابری اصحاب دعوا صورت پذیرفته است. زیرا اولاً: در ابتدا این پرونده به شعبه سوم دیوان ارجاع شده ولی سپس پرونده از این شعبه دریافت و به شعبه دیگری ارجاع شده است. در این شعبه نیز برای این منظور دادرسی ویژه‌ای در کنار قاضی اصلی شعبه تعیین شده و کلیه پرونده‌های دانشجویان بورسیه به این دادرسی ویژه ارجاع داده شده است. ثانیاً: این پرونده و تعدادی دیگر از پرونده‌های بورسیه‌ها به صورت خارج از

نوبت رسیدگی شده است. گفتنی است فاصله تقدیم دادخواست شاکی در این پرونده تا صدور رأی قطعی شعبه تجدیدنظر کمتر از شش ماه به طول انجامیده است. هرچند رسیدگی خارج از نوبت برابر ماده ۴۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از اختیارات رییس دیوان و شعبه مذکور است، ولی از آنجاکه رسیدگی به نوبت اصل و نشانه رعایت عدالت دستگاه قضا در تعامل با مراجعان و رعایت برابری اصحاب دعوا است، به طور معمول باید دلایل یا مصالحی که رسیدگی خارج از نوبت به یک پرونده را ایجاب می کرده است، ذکر شوند. شایان ذکر است سرعت در رسیدگی به این پرونده چنان استثنایی بوده است که امکان دفاع طرف شکایت را در زمان متعارف (نه قانونی) از وی گرفته است. به طور معمول متوسط اوقات رسیدگی به یک پرونده در شعب بدوی دیوان تا صدور رأی، در خوشبینانه ترین حالت، دست کم شش ماه به طول می انجامد؛ ولی در این پرونده بدون انتظار کافی برای وصول لایحه دفاعیه طرف شکایت، در ظرف کمتر از سه ماه از تاریخ تقدیم دادخواست منتهی به صدور رأی بدوی شده است.

#### ۴-۲- ایرادات ماهوی

رأی دادگاه محترم به اختصار مبین این مطلب است که چون شاکی در دانشگاه ... جایابی و به وزارت علوم معرفی شده و سپس تعهد خدمت سپرده و حکم بورس وی صادر گردیده و برای او حقوقی مقرر شده، پس حق مکتسبی برای او ایجاد گردیده است و دانشگاه در قبال تعهدی که شاکی مبنی بر خدمت سپرده متعهد به استخدام وی است و این تعهد دو جانبه است. درحالی که این استدلال به دلایل ذیل صحیح نیست.

#### ۱- اختلاط مفهوم بورس با مفهوم استخدام: شاکی پذیرفته شده، بورسیه

وزارت علوم است که در دانشگاه طرف شکایت جایابی شده است. بورس در این وزارتخانه به معنی گزینش دانشجویان مستعد و تأمین هزینه تحصیل آنان تا پایان تحصیلات و استخدام آنان در خاتمه تحصیلات به شرط احراز شرایط علمی و عمومی است. بنابراین، برخلاف استنباط دادگاه محترم، صرف بورس کردن یا جایابی دانشجویان به معنی ایجاد تعهد برای دانشگاه مبنی بر استخدام نامبردگان نیست. بر

اساس مقررات جاری در وزارت علوم و تمامی دانشگاه‌های کشور، بورس و استخدام دو مرحله کاملاً مجزای از یکدیگرند و هر کدام نیز واجد شرایط منحصر به خود است که باید شرایط آن توسط مراجع ذیصلاح احراز شود. بنابراین، تأیید صلاحیت علمی دانشجوی در هنگام اعطای بورس به هیچ عنوان به معنای لزوم استخدام بورسیه‌های فارغ‌التحصیل و بدون ارزیابی و تأیید صلاحیت‌های علمی و عمومی آنان نیست. در حقیقت، تأیید صلاحیت حین اخذ بورس تحصیلی یک مرحله کاملاً مجزا از بررسی توانمندی علمی و صلاحیت عمومی جهت جذب و استخدام است. زیرا:

**اول آنکه** برابر "دستورالعمل اجرایی جذب و تبدیل وضعیت استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی" مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاه مکلف است پس از اتمام تحصیلات دانشجویان بورسیه، برای استخدام آنان مجدداً وضعیت علمی و تحصیلی آنان را مورد ارزیابی قرار داده و سپس در خصوص استخدام آنان اتخاذ تصمیم نماید.

**دوم آنکه** برابر مواد متعدد از جمله بند ۴ ماده ۳ و بند الف ماده ۷ دستورالعمل فوق، یکی از وظایف هیأت اجرایی جذب دانشگاه‌ها و کارگروه‌های علمی آن، ارزیابی علمی متقاضیان هیأت علمی در مقاطع مختلف جذب از جمله بورس، قراردادی، پیمانی، رسمی-آزمایشی و رسمی-قطعی است. حتی برابر مفاد این دستورالعمل هیأت مذکور می‌تواند استخدام عضو هیأت علمی قراردادی و پیمانی را به دلیل از دست دادن شرایط عمومی و علمی لغو نماید. بنابراین، برابر مواد مذکور و رویه عملی کلیه دانشگاه‌های کشور، صرف بورس شدن دانشجو به منزله تعهد دانشگاه به استخدام وی نیست. صرف نظر از صراحت مواد مذکور، عقل و منطق حکم می‌کند کیفیت آموزش و پژوهش دانشجوی بورسیه پس از خاتمه تحصیل و در بدو استخدام مورد ارزیابی علمی و عمومی مجدد قرار گیرد.<sup>۵</sup> زیرا وی در این مرحله به مقطع تحصیلی

<sup>۵</sup> - در خصوص کیفیت تحصیلی و علمی برخی از شاکیان مطالب مستند دیگری نیز وجود دارند که به دلیل محرمانه بودن مکاتبات امکان ذکر آنها نیست.

بالتری ارتقا یافته و به‌طور طبیعی دانش وی در این مقطع باید متفاوت از مقطع اعطای بورس مورد ارزیابی واقع شود.

افزون بر این، طبق مفاد حکم بورس و تعهد محضری که از شاکی اخذ شده، نامبرده متعهد بوده است هر شش ماه یک‌بار گزارش پیشرفت تحصیلی خود را به دانشگاه ارسال کند، اما ایشان در طول مدت تحصیل تنها تعداد ۲ گزارش به دانشگاه ارائه کرده و نظر گروه مربوط نیز در خصوص پیشرفت تحصیلی وی مساعد نبوده است. البته دانشگاه، اهمیت و عواقب این موضوع را به نامبرده تذکر داده است.

**سوم آنکه** چنانچه به عملکرد کمیته بررسی وضعیت دانشجویان بورسیه و اطلاعیه‌ها و مکاتبات وزارت علوم توجه شود، یکی از دلایل تصمیم کمیته به عدم لغو بورس گروه دانشجویان بورسیه اعزام به خارج، به‌رغم اینکه بعضاً واجد شرایط بورس نبوده‌اند، این بوده است که نامبردگان پس از خاتمه تحصیل برابر مقررات جاری در دانشگاه‌ها باید مجدداً مورد ارزیابی علمی قرار گیرند. عین عبارت مذکور در صفحه ۷ اطلاعیه مورخ ۹۳/۸/۲ وزارت علوم بدین شرح است:

"اگرچه تعدادی از بورسیه‌های اعزامی به خارج فاقد شرایط معدل یا سن می‌باشند؛ اما با توجه به این‌که دوره بورس بیش از نیمی از آنها به اتمام رسیده و در مورد مابقی هم قطع ارز و بورس ایشان می‌تواند تبعات اجتماعی و سیاسی نامطلوبی به‌دنبال داشته باشد، مصوب شد که ضمن کنترل کیفیت تحصیل و ساز و کارهای قبل از اشتغال آنها در دانشگاه‌ها، بورس آنها ادامه یابد..."

## ۲- اختلاط مفهوم لغو تعهد و اعلام عدم نیاز: دانشگاه طرف شکایت اقدام

به لغو تعهد یا لغو بورس شاکی نکرده است، بلکه نامبرده تحصیلات خود را به اتمام رسانیده ولی پس از خاتمه دوره بورس به‌دلایل علمی در دانشگاه طرف شکایت جذب نشده‌است؛ لذا برای جایابی در دانشگاهی دیگر به وزارت علوم معرفی شده است. درحالی‌که دادگاه محترم صادرکننده رأی عموماً با تلقی لغو تعهد از موضوع، حکم به الزام به فرآیند استخدام داده‌است. بنابراین، بر خلاف استدلال دادگاه:

**اول آنکه** اساساً هیچگونه لغو بورس یا لغو تعهدی از جانب دانشگاه صورت

نگرفته است. بلکه طرف شکایت صرفاً به مقام بورس‌دهنده یعنی وزارت علوم، مراتب عدم نیاز به خدمات شاکی (به لحاظ عدم احراز شرایط و نصاب علمی دانشگاه) را اعلام کرده است.

**دوم آنکه** الزام به دادن تعهد خدمت به معنای الزام متقابل دستگاه در جذب دانشجو نیست؛ زیرا قبول تعهد از جانب متعهدله الزامی برای وی و حق مکتسبی برای متعهد ایجاد نمی‌کند. متعهدله به عنوان ذی‌حق هر زمان بخواهد می‌تواند از موضوع حق صرف‌نظر کند. (مستنبط از ماده ۲۴۴ ق.م. و انگهی، بر فرض صحت چنین استدلالی، شاکی به وزارت علوم تعهد خدمت داده و این رابطه حقوقی با وزارت علوم ایجاد شده است؛ حال آنکه این وزارتخانه اساساً طرف دعوا قرار نگرفته است. بدیهی است در صورت عدم احراز شرایط جذب شاکی در دانشگاه طرف شکایت، (به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های برتر کشور) نامبرده در نهایت در یکی از دانشگاه‌ها و مؤسسات زیر مجموعه وزارت علوم و یا سایر بخش‌های وزارتخانه متناسب با سطح توانایی علمی جایابی و تعهد خدمت وی سپری خواهد شد.

**سوم آنکه** دادگاه محترم در رأی خود به تعهد محضری دانشجو اشاره کرده و بر مبنای آن دانشگاه را متعهد به استخدام شاکی دانسته است. درحالی‌که در همین تعهدنامه مورد استناد، به صراحت تعیین محل خدمت را بر عهده مجموعه وزارت علوم قرار داده و هیچ محل قطعی و لایتنبری که حقی برای دانشجو ایجاد نماید ذکر نشده است. در تعهدنامه مذکور شاکی متعهد شده است: «... حداقل دو برابر مدتی را که با استفاده از بورس تحصیلی، تحصیل نموده ام، در کشور ایران و هر محلی که وزارت مذکور تعیین می‌کند خدمت نمایم...»

### ۳- استنباط ناصحیح از بند ۴ نامه شماره ۴۲/۲۳۵۹۴۵ مورخ ۸۹/۸/۴

**وزارت علوم:** صرف‌نظر از اینکه شماره نامه در رأی صادره به اشتباه ذکر شده است، دادگاه محترم در رأی خود با استناد به بند ۴ این نامه که بیان می‌دارد «تقاضاهایی که از طرف دانشگاه‌ها ارسال می‌گردد به منزله اعلام نیاز و محل خدمت آتی پس از فراغت از تحصیل داوطلبان خواهد بود (...))» چنین نتیجه می‌گیرد که این متن در کنار سایر قراین دلالت بر لزوم استخدام شاکی دارد. در حالی که اعلام نیاز و جایابی

پذیرفته شدگان بورسیه به هیچ وجه، به معنای الزام و تعهد دانشگاه برای استخدام آنان پس از فراغت از تحصیل نیست. چنانچه به تمامی بندهای این نامه و از جمله به ادامه مطلب بند یاد شده توجه شود، به راحتی می‌توان دریافت که نامه صادره در مقام توضیح روند مستندسازی پرونده متقاضیان بورسیه است، نه بیان الزام دانشگاه‌ها به جذب دانشجویان بورسیه فارغ التحصیل.

به‌هرحال دانشگاه طبق مقررات استخدامی و مصوبه بیستمین جلسه هیأت عالی جذب مورخ ۸۸/۶/۷ الزام دارد از طریق هیأت اجرایی جذب، صلاحیت علمی بورس شدگان را پس از فارغ التحصیلی مجدداً بررسی و در صورت رعایت مقررات و ضوابط حین تحصیل و کسب امتیازات لازم پس از تأیید هیأت مرکزی جذب وزارت علوم و اخذ مجوز از این وزارتخانه نسبت به استخدام آنان به‌عنوان هیأت علمی اقدام نماید.

## نتیجه گیری

بر هم زدن فرآیندهای علمی و رقابت سالم در نحوه انتخاب داوطلبان بورس نه تنها در عمل به از میان بردن عدالت آموزشی و محروم کردن جامعه در استفاده از استعدادها برتر می‌انجامد، بلکه زمینه برخوردهای سلیقه‌ای و اعمال نظر شخصی در انتخاب افراد و در نتیجه بروز فساد را نیز فراهم می‌سازد. آنچه مسلم است، نگاه سیاسی و جناحی به مسایل علمی، به حیات مؤسسات آموزشی و پژوهشی و به‌ویژه به دانشگاه‌های برتر کشور آسیب جبران ناپذیری وارد می‌سازد. افزون بر این، شایسته است مراجع قضایی همان‌گونه که در مصوبه شماره ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر شده است، از ورود به موضوعات تخصصی-علمی که حیات دانشگاه‌ها بدان وابسته است خودداری کنند و یا در صورت تشخیص صلاحیت، احراز موضوعات استخدامی را که مبتنی بر مسائل علمی است، به کارشناسان علمی مرتبط با موضوع ارجاع نمایند.

در هر حال، به نظر می‌رسد برابر مقررات حاکم بر جذب و استخدام اعضای هیأت علمی که عموماً مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است و همچنین

رویه عملی وزارت علوم و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور، دو مقطع پذیرش به عنوان بورس و استخدام از یکدیگر جدا بوده و در هر یک از این دو مقطع باید صلاحیت عمومی و علمی متقاضیان به طور مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد.

## **Judicial precedent criticism: Requirement to recruit scholars admitted**

Javad HOSSEINZADEH

### **Abstract**

Sending students abroad (scholarship) were conducted according to the executive regulation of law governing of sending the students abroad by holding a exam until 2004. Between 2006 and 2008, the condition for the exam was removed and with changing the regulations, other criteria for the selecting volunteers for sending abroad are legislated. According to the Court of Auditor's report in 2013, some of these changes were not legal and also the some rules are not correctly implemented in the same way for those who were accepted.

The verdict that follows, is analyzed and criticized, refers to one of the scholars admitted whose after graduation, for employment at a university in which he was already located has filled a lawsuit in the Administrative Court of Justice. After reviewing the case, the court has ordered the issue out of time that the admission and placement of the volunteers of the scholarship means the obligation of the scholarship provider to hire them after the completion of the scholarship. While this inference is not consistent with the legal principles, laws and regulations governing the employment and recruitment of applicants to the faculty membership of universities and educational and research institutes.

### **Key words:**

Verdict critiaue, sending student, scholarship students.